

## توسعه و مبانی تمدن غرب

مقدمه:

\* کتاب توسعه و مبانی تمدن غرب نوشته‌ی شهید مرتضی آوینی از جمله آثار برجسته‌ی این متفکر و نویسنده‌ی شهیر است. این کتاب که در قالب ۱۹ فصل نگاشته شده، به بررسی مفهوم توسعه و ریشه‌یابی آن در بستر تاریخ و اندیشه غرب می‌پردازد. محور اصلی بحث در این کتاب، حول نقد و بررسی مفهوم توسعه در دنیای غرب می‌چرخد. آوینی در این اثر، به واکاوی مبانی فلسفی، تاریخی و معرفتی تمدن غرب می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این تمدن، مفهوم توسعه را بر پایه اومانیسیم، سکولاریسم و مدرنیته بنا نهاده است.

### درنامه ۱

معنای توسعه:

\* توسعه اگر نخستین سوغات غرب برای ما نباشد، از اولین ره آوردهای غربگرایی و غرب زدگی در کشور ماست. برای دریافت معنای توسعه باید مفهوم کلمه ترقی را دریافت چرا که اصولاً همین اندیشه ترقی اجتناب ناپذیر بشر است که مبنای توسعه تمدن کنونی بشر در ابعاد مادی و حیوانی وجود او قرار گرفته است. برادران ساده دل مسلمان، لفظ توسعه یا ترقی را با معنای رشد و تعالی در قرآن مرادف می‌گیرند.

\* رشد و ترکیبات مختلف آن مجموعاً ۱۰ بار در قرآن مجید آمده است و آیه مبارکه‌ای که بیشتر از دیگران مورد استناد قرار گرفته آیه ۲۵۶ از سوره بقره است که رشد را صراحتاً در مقابل غی قرار داده است. «**لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ**»

۱- راه رشد یا همان سبیل الرشاد راهی است که انسان را بسوی علت غایی وجود خویش و آن هدف خاصی که از آفرینش مقصود پروردگار متعال بوده است، هدایت می‌کند و آن را "راه صلاح" ترجمه کرده‌اند. پس راه رشد هرگز به معنای توسعه یا ترقی نیست.

۲- لفظ توسعه ثلاثی از ریشه وسع و به معنای ایجاد وسع و فراخی است. خود این لفظ ترجمه یک کلمه فرنگی است.

۳- منظور از توسعه امروز صرفاً توسعه اقتصادی با معیارها و موازین خاصی است.

۴- منظور از توسعه فرهنگی، فرهنگی است که در خدمت توسعه اقتصادی قرار بگیرد.

۵- مفهوم اجمالی توسعه ← ایجاد فراخی و رفاه بیشتر در زندگی مادی انسان و پیشبرد او در جهت تمتع هر چه بیشتر از مواهب طبیعی

### ❖ روش غرب برای تفهیم ضرورت توسعه:

\* در غرب همواره برای تفهیم ضرورت توسعه دو تصویر برای انسان می‌سازند و او را وادار می‌دارند که این دو تصویر را با یکدیگر مقایسه کنند.

**تصویر اول**؛ جامعه ای انسانی را نمایش می‌دهند که در محیط های روستایی کثیف بدون بهداشت و لوازم اولیه زندگی در جنگ با عوامل ناسازگار طبیعی مثل سیل و قحطی و اسیر امراض همراه با فقر غذایی و بیسوادی در خوف دائم بسر می‌برد.

**تصویر دوم**؛ جامعه انسان دیگری را نشان می‌دهد که در شهری صنعتی یا نیمه صنعتی برخوردار از بهداشت و ارتباط فردی و جمعی در وضعیتی مطلوب بدون ترس زندگی می‌کند.

\* که با مقایسه دو تصویر می‌توان فهمید که بدون شک زندگی در تصویر دوم بهتر است اما این مقایسه از ریشه غلط است در تصویر اول جامعه تجسم یافته که هر چند روستایی و طبیعی است اما از آرمان‌های حیاتی اسلام و احکام آن به طور کامل دور افتاده حال آنکه تصویر دوم کاملاً غیرواقعی و خیالی است از جامعه‌ای صنعتی و ایده‌آل که پارامترهای عدم اعتدال روانی، فساد جنسی و اخلاقی، کفر و شرک و ... از مجموعه عوامل آن پاک شده است.

### ❖ آیا می‌توان معنای توسعه را با مفهوم تکامل و تعالی در اسلام انطباق بخشید؟

\* خیر، مفهوم تکامل و تعالی در قرآن اصالتاً به ابعاد روحانی و معنوی وجود بشر است که بازگشت دارد و این تکامل روحانی با توسعه مادی بشر ملازمه ندارد بلکه برعکس ثروت و استقلال در قناعت است و صحت در اعتدال و پرهیز از تمتع، و تعالی در از خودگذشتگی و ایثار و سلامت نفس در غلبه بر امیال نفسانی است. مقصود این نیست که در اسلام روح و جسم و معنا و ماده در تعارض با یکدیگرند بلکه این‌ها در اصل و ریشه متحدند اما چون هر یک از قوای چهارگانه‌ی شهوت و غضب و وهم و عقل منفرداً از سایر قوا سعی می‌کنند که حاکمیت کل وجود بشر و شخصیت او را در کف خویش بگیرند باید برای ایجاد اعتدال در میان این قوا از افراط و تفریط در ارضای تمایلات و خواهش‌های آنان پرهیز کرد.

\* منتهای حرکت تکاملی انسان و جهان و تاریخ در قرآن، الله است و این معنا در بسیاری از آیات قرآن مجید با تعبیراتی گوناگون همچون "الی ربک المنتهی" "الی الله المصیر" "ان الی ربک الرجعی" "الیه راجعون" بیان شده است.

\* تکامل و تعالی در معارف اسلام به یک حرکت همه جانبه که در آن بعد فرهنگی و معنوی دارای اصالت است بر می گردند و حال آنکه در غرب تکامل به تطور انسان از صورتهای پست تر حیوانی به صورتهای تکامل یافته اطلاق می شود.

\* حرکت به سوی تکامل و تعالی در اسلام لزوماً با توسعه ی مادی و اقتصادی همراه نیست و بلکه بالعکس تعالی معنوی با قناعت و زهد و مصرف کمتر و ملازمه دارد.

\* اگر حکومت اسلامی بخواهد برای رشد و تکامل انسانی برنامه ریزی کند، اصالتاً باید به ابعاد معنوی و روحانی وجود بشر توجه پیدا کند و در مرحله اول موانعی را که راه تعالی و روحانی بشر به سوی خدا را سد کرده اند از سر راه بردارد و از جمله این موانع فقر مادی است. لذا توجه به از بین بردن فقر مادی امری تبعی است نه اصلی و همچنین هدف از آن دستیابی به عدالت اجتماعی نه توسعه.

### ❖ فرق بین امور اصلی و تبعی:

\* امور اصلی خودشان لزوماً و اصالتاً به عنوان محور و مبنای عمل مورد توجه قرار می گیرند حال آنکه امور تبعی فرعی و کفایی هستند.

\* برای مثال وظیفه ی اصلی حکومت اسلامی تزکیه و تعلیم اجتماع است اما چون فقر و فقدان عدالت اجتماعی مانعی عظیم در برابر این هدف اصلی است، بالتبع از بین بردن فقر و سایر موانع می پردازد و به طور موازی در جهت تکامل و تعالی معنوی جامعه برنامه ریزی می کند.

\* آموزش و فرهنگ در خدمت رفع محرومیت ها و از بین بردن فقر قرار نمی گیرد، بلکه مبارزه با فقر در خدمت اعتلای معنوی و فرهنگی است. حال اگر مبارزه با فقر مادی به عنوان محور ک اصل اتخاذ شود آنگاه آموزش و فرهنگ نیز به عنوان امور تبعی در خدمت آن قرار خواهند گرفت؛ اما اگر اعتلای فرهنگی یعنی تزکیه و تعلیم، محور و اصل قرار بگیرد، آنگاه مبارزه با فقر به عنوان امری تبعی و مانعی بر سر راه تکامل و تعالی معنوی لحاظ خواهد شد.

\* نکته: هدف حکومت اسلامی در مبارزه با فقر، دستیابی به عدالت اجتماعی است نه توسعه.

### ❖ توسعه یافتگی، اوتوپای قرن حاضر:

شناخت انسان از جهان و خویشتن در مجموع منتهی به بینشی کلی می شود که آرمان ها از آن نتیجه می شوند. این بینش کلی پشتوانه همه اعمال و رفتار و سخنان انسان قرار می گیرد.

ارزش گذاری انسان بر روی پدیده های اطراف خویش نیز از همین بینش کلی و آرمان های زاینده از آن نتیجه می شود. امروزه در زبان رایج سیاست، ملل جهان را به دو دسته تقسیم می کنند توسعه یافته و توسعه نیافته، با معیار توسعه انسان ها دو دسته بیشتر نیستند فقیر و ثروتمند و میزان فقر و غنا نیز مصرف است. فقر در اسلام مضموم است و مسلماً جامعه آرمانی مسلمانان جامعه فقیری نیست.

انسان موجودی آرمان طلب و مطلق گراست. آرمان دورنمایی است که انسان در فراسوی حیات خویش تصور و تجسم می‌کند و آنگاه راه زندگی خویش را به گونه‌ای انتخاب می‌کند که به آن آرمان متصور برسد. شناخت انسان از جهان و خویشتن در مجموع منتهی به بینشی کلی می‌شود که آرمان‌ها از آن نتیجه می‌شوند. این بینش کلی که شامل شناخت انسان از جهان و خویشتن است.

\* آرمان‌ها همواره علت غایی حرکت‌های فردی و اجتماعی بشر هستند.

\* هدف، آن غایت مشخصی است که انسان فرا راه خویش تصور می‌کند و مسیر خود را به گونه‌ای پیش می‌گیرد که بدان دست یابد. اهداف انسان با توجه به خواسته‌ها و نیازهایش انتخاب می‌شوند و گذشته از آنکه این خواسته‌ها ممکن است حقیقی یا کاذب باشند، هدف اصلی یا آرمان او نقطه‌ای است که انسان جواب تمامی خواسته‌هایش را در آن جستجو می‌کند با توجه به همین فطرت است که قرآن می‌فرماید: "لقد کان لکم فی رسول الله اسوةً حسنة" اگر بشر از اسوه‌های حسنه اعراض کند به ناچار به سوی ائمه ی کفر خواهد گرایید. علت وضع کلمه "امام" نیز همین است؛ امام به معنای پیشوا، آرمان وجودی بشر، و آن غایتی است که همه‌ی صفات تکاملی انسان در وجود او تبلور یافته است. تبلیغات شیطانی غرب در نهاد خلقت او موجود است، سو استفاده می‌کند و با آفریدن قهرمانان کاذب برای اصناف مختلف جامعه را به هر جانی که می‌خواهد سوق می‌دهد.

### ❖ نکات پیرامون مصرف:

\* مصرف یکی از ارکان نظام اقتصادی غرب است چرا که اصولاً عرضه و تولید بیشتر هنگام ضرورت پیدا می‌کند که تقاضا و مصرف بیشتر در جامعه موجود باشد و تقاضا و مصرف بیشتر نیز مستقیماً بر تبلیغات مبتنی است.

\* نیازهای حقیقی بشر محدود است و وقتی از حد طبیعی اشباع سیر شدن گذشت دیگر در وجود او میل و گرایشی برای مصرف باقی نمی‌ماند بنابراین تنها راه‌هایی که برای تشویق و ترغیب جامعه به مصرف بیشتر باقی می‌ماند این است که از یک سو کالاهای مصرفی جلا و تزیین و تنوع بیشتری پیدا کنند و از سوی دیگر با ایجاد گرایش‌های انحرافی مثل مدگرایی و تجدد طلبی و... در او تقاضای بیشتری برای مصرف ایجاد کنیم.

\* راه سوم نیز وجود دارد: توسعه بازار و جستجوی بازارهای جدید یعنی همان انگیزه‌ای که به استعمار نو منتهی شده است.

\* **قهرمان سازی** یکی از ارکان محتوایی تبلیغات غرب و راهی است که دولت‌های استکباری و سلاطین امپراتوری‌های اقتصادی دنیا برای تعدیل و تنظیم مؤلفه‌های اجتماعی در جهت تمایلات و اهوای شیطانی خویش یافته‌اند. تاریخ تبلیغات سینمایی و تلویزیونی غرب با فرار از واقع‌گرایی در قالب شخصیت‌های مضحکی مثل لورل وهاردی آغاز می‌شود و... با عبور از مرحله‌ی بازسازی اسطوره‌های افسانه‌ای یونان باستان پای به

مرحله‌ی قهرمان سازی در جهت بنیانگذاری نظام ارزشی سرمایه داری و تعدیل و کنترل واکنش‌های روانی و اجتماعی مخالف با آن می‌گذارد و در این مرحله، بررسی قهرمان‌های مخلوق تبلیغات می‌تواند مسیر اجتماعی غرب را در مسیر قبول ارزش‌های نوین سرمایه داری به ما نشان دهد. خلق شخصیت‌های (کازانوایی) و ژینگولو که مظهر کامجویی هستند تصادفی نیست. لفظ " کرنلی " که به نوعی آرایش مو اطلاق می‌شود از اسم هنرپیشه قدیمی آمریکایی کرنل وایلد گرفته شده است.

\* حکومت آمریکا برای آماده ساختن افکار و ارواح مردم سراسر دنیا و مخصوصاً جامعه آمریکا برای جنایت و خونریزی‌هایی که در ویتنام انجام می‌شد ناچار بود که از قهرمان سازی‌های تبلیغاتی استفاده کند اکنون نیز «رمبو» بت جدید آمریکا که یک سرباز بازگشته از جنگ ویتنام است همین وظیفه را بر عهده دارد.

\* تقلید که یک نیاز ذاتی بشریست از یک طرف در جامعه شیعیان به وحدت و یکپارچگی جامعه در اطاعت از احکام شرع و عقلی انجامد، اما از طرف دیگر همین خصوصیت فطری تقلید آن کار را بدانجا می‌کشاند که این گفته مصداق پیدا می‌کند: خلق را تقلیدشان بر باد داد.

\* اجتماع و تاریخ هرچند دو ماهیت کلی هستند که به مثابه دو ارگانسیم زنده با آغاز و پایان و سیر حیاتی مشخص اعتبار می‌شوند اما واقعیت آنها مبتنی بر وجود افراد است. تاریخ نیز همچون افراد حرکت خویش را در مطابقت با آرمان‌های معینی پیدا می‌کنند. به تعبیر غربی، اتوپیای افلاطونی، غایت حاکمیت انسان بر کره زمین است، حال آنکه حکومت جهانی عدل برای مسلمانان آرمانی است که در حاکمیت احکام خدا بر اجتماع بشر معنا پیدا می‌کند. همین دو آرمان یا ایده آل تاریخی است که یکی به تمدن غرب و سیطره‌ی شیطنی آن در جهت تمتع هرچه بیشتر از نعمات و لذایذ دنیایی می‌انجامد و دیگری به انقلاب اسلامی ایران و برپایی حکومت جهانی اسلام.

\* همان گونه که فرد بشر بدون اسوه و امام و هدف و آرمان دچار گم‌گشتگی و سرگردانی می‌شود جامع و تاریخ نیز بدون آرمان غایی و مدینه فاضله نمی‌تواند حیات خویش را استمرار بخشد.

## \* لفظ "رشد" و ترکیبات مختلف آن

✓نوزده بار در قرآن آمده است.

✓آیه‌ای که بیشتر از دیگران مورد استناد قرار گرفته، آیه‌ی ۲۵۶ سوره‌ی بقره است

✓در مقابل غی قرار گرفته لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی

\* مفهوم تکامل و تعالی در قرآن ← اصلالتا به ابعاد روحانی و معنوی وجود بشر است که بازگشت دارد و این تکامل روحانی نه اینچنین است که ضرورتا با توسعه مادی بشر ملازمه داشته باشد، بلکه برعکس ثروت و استقلال در قناعت است، و صحت در اعتدال و پرهیز از (تمتع به معنای قرآنی آن) و تعالی در از خود گذشتگی و ایثار، و سلامت نفس در غلبه بر امیال نفسانی و شهوات نفس اماره بالسوء است.

\* تکامل و تعالی در معارف اسلام به یک حرکت همه جانبه که در آن بعد فرهنگی و معنوی دارای اصلت است برمی گردد و حال آنکه در غرب تکامل به تطور انسان از صورت های پست تر حیوانی به صورت های تکامل یافته اطلاق می شود.

\* وظیفه‌ی اصلی حکومت اسلامی ← تزکیه و تعلیم اجتماع است، اما چون فقر و فقدان عدالت اجتماعی مانعی عظیم در برابر این هدف اصلی است بالتبع به از بین بردن فقر و سایر موانع میپردازد و به طور موازی در جهت تکامل و تعالی معنوی جامعه برنامه‌ریزی می کند. بنابراین، آموزش و فرهنگ در خدمت رفع محرومیتها و از بین بردن فقر قرار نمیگیرد، بلکه مبارزه با فقر در خدمت اعتالی معنوی و فرهنگی است

\* هدف حکومت اسلامی در مبارزه با فقر ← دستیابی به عدالت اجتماعی است نه توسعه.

\* آرمانها (ایده آل ها) همواره علت غایی حرکتهای فردی و اجتماعی بشر هستند. هدف آن غایت مشخصی است که انسان فرا راه خویش تصور می کند و مسیر خود را به گونه‌ای پیش میگیرد که بدان دست یابد.

\* علت وضع کلمه «امام» نیز همین است؛ «امام» به معنای پیشوا، آرمان وجودی بشر، و آن غایتی است که همه صفات تکاملی انسان در وجود او تبلور یافته است.

\* قهرمان سازی یکی از ارکان محتوایی تبلیغات غرب و راهی است که دولتهای استکباری و سلاطین امپراتوریهای اقتصادی دنیا برای تعدیل و تنظیم مؤلفه‌های اجتماعی در جهت تمایلات و اهوای شیطنی خویش یافته‌اند.

\* در نظام اعتقادی ما آن توسعه‌های معتبر است که بر تعالی روحی بشر تکیه دارد و تعالی روحی بشر نیز به پرهیز از فزون طلبی و تکاثر، و منع اسراف و تبذیر، و پیروی از یک الگوی متعادل مصرف منتهی میشود، نه به رشد اقتصادی محض.

### ایستگاه تفکر:

- ۱- آیا رشد به معنای توسعه یا ترقی است؟
- ۲- مفهوم توسعه چیست؟
- ۳- تصاویری که غرب برای تفهیم ضرورت توسعه برای انسان ترسیم می‌کند را توضیح داده و با همدیگر مقایسه کنید.
- ۴- چرا نمی‌توان معنای توسعه را با مفهوم تکامل و تعالی در اسلام انطباق بخشید؟ به طور خلاصه توضیح دهید.
- ۵- راه‌هایی که غرب، جامعه را برای صرف بیشتر تشویق و ترغیب می‌کند، کدام‌ها هستند؟

۱- کدام یک از گزینه های زیر در جواب "توسعه چیست" آمده است؟

- (۱) برای زدودن فقر و رفع محرومیت ها  
 (۲) برای رفاه بیشتر و استفاده از نعمت های خدایی  
 (۳) برای آنکه اصلا خداوند بشر را به همین دلیل خلق کرده است "آباد کردن کره زمین"  
 (۴) همه موارد

۲- آیه مبارکه ای که بیشتر از دیگران درباره رشد مورد استناد قرار گرفته کدام است؟

- (۱) ۲۵۵ سوره بقره (۲) ۲۵ توبه (۳) ۲۵۶ بقره (۴) ۳۰ توبه

۳- لفظ رشد و ترکیبات مختلف آن مجموعاً چند مرتبه در قرآن مجید آمده است؟

- (۱) ۵ مرتبه (۲) ۱۲ مرتبه (۳) ۱۹ مرتبه (۴) ۱۰ مرتبه

۴- «سبیل الرشاد» به چه معنا ترجمه شده است؟

- (۱) ترقی (۲) خدمت خلق (۳) توسعه (۴) راه صلاح

۵- کدام لفظ توسعه از مصدر ثلاثی از ریشه (و س ع) است؟

- (۱) سعه ی صدر (۲) توسعه (۳) صحت (۴) همه موارد

۶- در غرب برای تفهیم ضرورت توسعه چند تصویر برای انسان می سازند؟

- (۱) یک تصویر (۲) دو تصویر (۳) سه تصویر (۴) چهار تصویر

۷- وظیفه ی اصلی حکومت اسلامی اصلاً کدام گزینه زیر است؟

- (۱) توسعه معنویت (۲) تزکیه (۳) تعلیم اجتماع (۴) گزینه ۱ و ۳

۸- امروزه در زبان رایج سیاست، ملل جهان را به چند دسته تقسیم می کنند؟

- (۱) یک دسته (۲) دو دسته (۳) سه دسته (۴) چهار دسته

۹- با معیار توسعه، انسانها.....دسته اند و میزان فقر و غنا.....است

- (۱) دودسته - مصرف (۲) دودسته - ثروت  
 (۳) سه دسته - مصرف (۴) سه دسته - ثروت



۱۰- کدام گزینه معنای امام است؟

(۱) پیشوا

(۲) آرمان وجودی بشر

(۳) غایتی که همه صفات تکاملی انسان در او تبلور یافته است

(۴) همه موارد

پاسخنامه ایستگاه تست

| پاسخنامه ایستگاه تست |   |   |   |   |   |   |   |   |   |      |
|----------------------|---|---|---|---|---|---|---|---|---|------|
| ۱۰                   | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | سوال |
| ۴                    | ۱ | ۲ | ۴ | ۲ | ۲ | ۴ | ۴ | ۳ | ۴ | پاسخ |